



سپریست سازمان خصوصی سازی منصوب شد

وزیر امور اقتصادی و دارایی در پی استعفای علیرضا صالح، رئیس سازمان خصوصی سازی، ضمن موافقت با این استعفا، حسن اعلانی را با حفظ سمت به عنوان سرپرست این سازمان منصوب نمود. گفتنی است، دیویسند از رحمات صالح در دوران تصدی ریاست سازمان خصوصی سازی نیز تشکر و تقدیر نموده است. حسن اعلانی در حال حاضر عضو هیات عامل سازمان خصوصی سازی است که با پذیرش استعفای علیرضا صالح، سمت وزیر اقتصاد را با حفظ سمت به عنده نسبت سازمان خصوصی سازی منصب شده است. (شادا)

۲۶ هزار واحدی شاخص بورس در روز گذشته

شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در پایان معاملات دیروز، اولین روز کاری با فرایش ۲۶ هزار و ۵۱۶ واحد به رقم یک میلیون و ۷۴۷ هزار و ۹۵۱ واحد رسید. همچنین شاخص کل بورس با معیار هم وزن با فرایش ۴۵۲۳ واحد به رقم ارزش بازار دبورس اوراق بهادار تهران روز گذشته به بیش از چهار میلیون و ۷۴۲ هزار و ۵۷۲ واحد رسید.

یک امامی آرام دیگر

بسالن دادگاه رسیدگی به جرایم اقتصادی پر بود و در یک صبح ددل انگیز پایینزی دادگاه انقلاب میزبان تمام دارو و دسته پرونده امامام از خبرنگار و کیل و متهم و نماینده دادستان بود.

تشریفات و رودی چند برابر، سالن بسیار کوچکتر، سقف بسیار کوتاه تر و صندلی ها ناراحت تر بودند، فقط تفاوتی که مشهود بود قاضی از بلندی های سینمایی نزد های چوبی بین حضار و متهم و مثل فیلم های سینمایی سالن قبلی پایین تر نشسته دیدف اول و ولکا فاصله انداده بود.

اویلین نفر محمد امامی بود که بلند شد، بی سرو صدای کسری کاغذ پشت میر متمهم گذاشت، دوباره نشست و از لبه لای پروندها دادگاه تعدادی گاذب داشت و بعد از چند بار که با خودش برای رفت و نرفتن یکی به دو کرد، بالاخره پشت تربیتون متهم ایستاد. قاضی هم مثل تمام شاهدان ماجرا قسم های مردد و تردیدهای عجیب او را بی صداتماش کرد.

برخلاف همیشه همان ابتدا شکر کرد که در دادگاه فرصت دفاع به او داده و همه با چشم های باز به محمد امامی جدیدی نگاه می کردند که در دادگاه انقلاب پرده برداری شده بود. بعد توضیح داد که به علت بیماری کرونا خانواده، خیلی آمادگی دفع ندارد.

و اعقاب رای همه عجیب بود که رفتار امامی این قدر تغییر کرده است، اما دوباره به شکل قبلی دفاع خودش برگشت و براه اساس اظهارات دیگران علیه من پیش می رود، این دادگاه طراز شمانیست، من حتی اگر اعتراف هم بکنم شما باید از من پذیرید، چون رد پایی از من در هیچ جا وجود ندارد، نهاینده دادستانی قصه گویی می کند و از نظر تاریخی هم این قصه ها با هم تناقض دارد. چرا اصرار و لجاجت دارید که من را محکوم کنید؟

اقاضی اما دوباره به میانه آمد و گفت که طراز دادگاه را خودش تعیین می کند و کسی در این مسائل حق دخالت ندارد، اولاً که مستندات هم بود، علاوه بر آن خانم شامانی هم گفت که همه پیامک ها وجود داشته و افراد هم حضور شما را تایید کرده اند.

امامکی کش دارو با کلایه صحبت می کند، روند کش دارادررسی که به نظر می رسید خودش آن را شروع کرده حالا اول از همه خودش را خسته کرده که البته بیماری کرونا مادرش هم مزید بر علت شده است.

بل افالصه قهرمانی آمد و او هم از خودش دفاع کرد، قهرمانی گفت که در رسانه ها نوشته اند که من برای تحریر به او می گویم رب فروش! اما این طور نیست، به نظر من اوج حقارت این است که بگوییم دست توی جیب مردم کرده است، و گزنه رب فروشی که برای او افتخار محسوب می شود! قهرمانی نماینده دادگاه را باید پذیرید، اما این اتفاق هم اتفاقاً نیست.

بعد از ظهری که به غندالی رسید

قاضی ردیف اتهامی و اتهام او را خواند؛ معاونت در اخلاص، کسب مال نامشروع، مورد دو واحد در نیاوران و تسهیل دریافت تسهیلات برای شرکت‌های امامی و فرزان را... غندالی لبخنده به روی لب‌هایش نشست، آرام دست راستش را بلند کرد و با لهجه جنوبی و حالتی مظلومانه چیزی گفت که هیچ‌کس انتظارش را نمی‌کشید: «آقای قاضی، من یک معلم ریاضی هستم، من اینجا به پناه دردادگاه نوبت بعد از ظهر بالآخره قاضی از بین اسامی دست روی پادشاه مخلوع گذاشت و غندالی بزرگ را که همین چند سال قبل به عنوان گزینه وزارت آموزش و پرورش ازو رزمه و برنامه خواسته بودند را به جایگاه متهمان احضار کرد. غندالی بدون این که هیچ تغییری در ظاهرش ایجاد شده باشد، با همان کت کرم رنگ کهنه و لبخنده که انگار از روی خستگی و بی‌حوصلگی بود، بلند شد، هیکلش را مثل یک

۱۵۷

نمی‌داند پیر شده یا نه! دراین سن و سال تفاوت چندانی میان ۱۵ سال و حبس ابد نیست، شاید غندالی چیزی می‌داند که می‌خواهد آن را پل آزاد کند. گزارش راینجا تمام نمی‌کنیم، گزارش رامی بریم به پایان حرفوهای غندالی، همانجایی که وکیل مدافع متهم آمد و گفت که غندالی تمامی اموال را برگردانده و امروز یک آپارتمان ۸۰ متری بیشتر ندارد، همانجایی که به خوبی بادمان انداخت که گاهی می‌شود از همان اول یک ۸۰ متری، التتباخ کرده اب، زنهای، اندید.

آدم که پیر می‌شود مثل یک کشتی است که سوراخی در آن درست شده و هر روز سنگین و سنگین تر می‌شود، مشابد اگر اتفاقاتی که برای غندالی افتاده بود گریه می‌کرد، شاید اگر هم سن و سال امامی افتاده بود هم گریه می‌کرد، مشابد اگر اسال بعد دراین دادگاه حاضر می‌شد هم همین طور، اما غندالی درست در روزهای بلاتکلیفی بای میز محکمه آمده بود که نه می‌داند پیر شده و فرصت جبران ندارد، نه می‌داند که آن قدر جوان است که می‌تواند خودش رانجات دهد و اب، خودش، یک، از نشانه‌های بی، است، اب، که آدم

آگهی فراخوان عمومی
شناسله وادیانه سمانکار

شرکت سرمایه‌گذاری عمران پارس آینده در نظر دارد. برای ارزیابی تهیه لیست پیمانکاران جهت تهییه مصالح و اجرای ساخت کاری، تاسیسات مکانیکی و پر فی برج های مسکونی برروزه چیزی که مساحت تقریبی ۲۱۰۰ مترمربع واقع در شهر تهران از میان واحدین شرایط (دارای رتبه های (۱) و (۲) معنوت برانمیری و نظارت افزایشی و تخصیص هم‌دوره است.

لذا از مقاوماتی دارای صلاحیت می شود مدارک ذیل راجه ارزیابی حداقل تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۶ به شناسی این شرکت واقع در شهر تهران، خیابان ولصری، روبروی بزرگراه امام رضا، خیابان اسفندیار، بلاک ۳۸، طبقه ۴، واحد اداری ارسال نمایند.

تلنن تماش: sopa.co.ir

آدرس سایت شرکت:

۱ اسناد و مدارک لازم: **۱** تصور اتفاقی شرکت (تصویر اتفاقی تاسیس شرکت تصور اتفاقی آخرین تغیرات اتفاقا) **۲** سوابق و زورمه فعالیت **۳** اسناد و مشخصات قراردادهای مشابه **۴** رایاست نامه و تقدیرنامه های اخذ شده **۵** لیست مالیات آلات و تجهیزات **۶** کوایین امامه صلاحیت رتبه بندی **۷** کوارش حسابرسی سال ۹۷

آگه مزایده مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

مرکت تعاوی مسکن مرگز آموزش توبخانه و گروههای
۴۴ توبخانه در نظر دارد، زمین گردشگری پروژه گل نرگس
۵۵ که در ۲ قطعه به مساحت ۱۲۳۰۰ و ۹۱۵۰ مترمربع می‌باشد
۱ اسازمان‌ها و اشخاص ذیصلاح که تمايل به بهره‌برداری از
۱ را دارند به صورت مزایده به فروش برسانند. لذا داولطلبین
۹۹/۰۸/۲۷ توانند جهت دریافت مدارک مزایده حداکثر تاریخ
۱ دفتر مرکزی تعاوی مسکن، واقع در اصفهان، سهراه حکیم نظامی،
۱ تتدای خیابان صفه، جنب فروشگاه اتکا، مراجعة و پیشنهادات خود
۱ حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۹۹/۰۹/۰۲ به دفتر بازرگانی
۱ شرکت تعویل نمایند. ▶ ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر با
۱ فن ۱۸۲۸-۳۶۲۰-۳۱ تماس حاصل فرمایند.

14-100/100 14-100/100



دانشگاه محرم‌سازی

تابه حوال زندان رفته اید یا شما هم جزو آن دسته از افراد هستید که می گویند تابه حال پای مان به کلانتری باز نشده؟ اگذشتہ از این که به کلانتری رفتن بداست یانه، افرادی که بزیری اولین بار بازداشت می شوند معمولاً همکاری خوبی می کنند، راحت حرف می زنند و به حل گرگهای پرونده کمک می کنند، حالا بعضی های این کار را به نجات از وضعیت فعلی مربوط می دانند، اما واقعیت این است که بعضی های بازداشت را آخر خط می بینند و از سیر تا پیاز ماجرا را آب و تاب و رنگی تعریف می کنند.

بعد که به زندان می روند تازه می بینند خیلی زودتر از آچه که می توانستند به حرف آمده اند و حالا حالا های سکوت داشته اند، بعد در یک دوره آموزشی از دیگر زندانیان یاد می گیرند که در تکمیل پرونده و بازپرسی چه بگویند و با قاضی چطور فرستار کنند.

باور کنید کسی که بازداشت می شود با کسی که از زندان بیرون می آید زمین تا آسمان متفاوت است، چه نادم و چه کاربرد آدم های بعد از زندان خیلی تفاوت می کنند.

البته وکیل مدافعان شامانی به فضای رسانه ای هم اشاره می کند که فشار زیادی روی متهم و نیم دفاع او آورده اند، فراموش نکیم که همین غندالی تا چند قدمی معرفی به عنوان وزیر اموزش و پرورش رفته بود، اما حالا در جایگاه متهمن نشسته و همسرش در حال پاسخ دادن به سوالات قضائی و نماینده دادستان است.

وکیل مدافعان شامانی تلاش زیادی می کند تا غندالی را از پرونده امامی دور کند، حتی می گوید که از نظر سازمانی اتهامات از توانایی مولکش خارج بوده و نمی توانسته چنین دستوراتی بدهد، از طرفی اعضای هیات مدیره همسو نبوده اند و غیر از همه اینها یک دستور از غندالی در این پرونده نیست!

البته قهرمانی می گفت صورتجلسه مواجهه اعضا هیات مدیره پر ازانام غندالی است و به زبان خودمانی و غیر حقوقی اغلب اعضا روی غندالی اعتراف کرده اند!

البته قهرمانی از غندالی و برادرش که وکیل اوست هم دفاع می کند، می گوید بدون حاشیه و جارو و جنجال تمامی رد مال ها را رنجام داده و اگر حکمی هم صادر شود هیچ چیزی را بنا نمی ستد که به بانک برگرداند، بعد با وکیل مدافع چک کرد که همیشه در جلسات بازپرسی او حضور داشته و وکیل مدافع هم برخلاف حرف اول خودش تایید کرد، البته ما متوجه نشیدیم که بازپرس اول کس دیگری بود یانه، اما با تایید وکیل مدافع فرضیه باطل بودن تحقیقات عملیاتی بین افت.

فاطمه شاماني، همسر شهاب الدین غندالي، نفر بعدی دادگاه بود که احضار شد، اگر قسمت های قبلی سریال دادگاه امامي را دیده باشيد، توضيحات مفصلی در خصوص ظاهر اين زن ارائه کردیم و برای اين قسمت فقط به همين اکتفا می کنيم که چادر سفت و سختی به سرداشت و علاوه بر اين که سخت روشن را گرفته بود، حتی در جايگاه مهم امامسک استفاده می کرد و به اين ترتيب چهراش به هيج وجه قابل تشخيص نبود و شماحتی نمي توانستيد سن و سال کسی را که به عنوان همسر غندالي در جايگاه مهم حاضر شده، تخمين بنزيدي.

بعضی ها ارا باشين نعمت زاده، دختر آقای وزیر مقایسه می کردن. حال اين که نعمت زاده هم به اين سختي رونمی گرفت و بالاخره در فضای مجازي تصاویری از او وجود داشت، اما از شاماني هيج تصویر روشني وجود ندارد.

بلند شد، پشت تريبيون ايستاد و وقتی قاضی ازاو پرسيد معاونت در اخلال عمده و پولشوبي از طريق تحصيل اموال باعلم به منشأ پول را قبول داريدي؟! گفت: «به هيج وجهه» و وقتی قاضی ازاو خواست از اتهامات وارد دفاع کند، توضيح داد: «دافعي ندارم، چون بازپرس پرونده گفته هرچه من بگويم، مسعودي مقام همان رامي نويسيدا!»

این حرف کافی بود تا مسعودي مقام بالاخره چهره يك قاضی صبور را کنار بگذارد و با شاماني رسما بخورد کند: «بسه ديكه! خسته شدیم از بس حاشيه رفنيد، اين همه آپارتمن گفتند حرفي نداريد بنزيدي، يك نفر يك حرفي زده ول کن نويستيد. بازپرس اگر هم حرفي زده چرا شکایت نمي کنيد؟ فقط حاشيه...» عصبانی کردن قاضی کاربيساري سختی بود که شاماني يك تنه از عهد آن برآمد.

البته کوتاه هم نمي آمد، می گفت وکيلش دفاع خواهد کرد، اما قاضی مسعودي مقام پيش از اين هم نشان داده بود که بلد است آدم ها راز صحبت های متفرقه به وسط پرونده بکشاند، آرام آرام شاماني به خودش آمد و ديد که دارد در مقابل دادگاه از خودش دفاع می کند.

البته دفاعيات متهم شاماني با ورود قهرمانی همراه بود، قهرمانی کسی بود که شاماني را بازداشت کرده بود و به اين ترتيب از زير و بم پرونده او به طور كامل اطلاع داشت.

شاماني علاوه منکر پيامک هایي که با امامي رو و بدل کرده نبود، اما طوري حرف می زد که انگار حرف هایي که در پيامک هارد و بدل می شده، حرف های يوميه با يك دوست خانوادگي بوده و به نوعی منکر تاثيرگذاري هایي که در پيامک ها از خودش نشان مي داد، شد. قهرمانی اما می گفت شاماني در اولين مواجهه با اسم امامي گفت: «بسه... امامي ديگه کيء!» بعد کم کم به حرف آمد و خودش و پسرش افراد های زيادي داشته اند.

داستان که قهرمانی از شاماني تعريف می کرد از يك معامله آپارتمن در دبي، دو واحد در نياواران و يك خودروی لكسوس بود، اما شاماني به نوعی می گفت همه آنها را خريده اند. شاماني می گفت سهام شركت غندali و آپارتمن منطقه پالم (يکي از گران ترين مناطق دبي) در امارات را واگذار کرده اند و واحدی در

